

انسان موجودی اجتماعی و عاطفی است و نیاز به دیگری برای نیازهای گوناگون، امری طبیعی در ساختار نظام دنیوی به شمار می‌رود. این نیاز به ویژه در زمان‌های بحرانی و بروز مصیبت بسیار تشدید می‌شود و انسان گاه چنان به دیگری نیاز پیدا می‌کند که نوازی به مادر، برخی‌ها با قدرت درونی خود می‌توانند شرایط بحرانی را از سر بگذرانند، ولی باز نیاز به دیگری در مقام نصرت و یاری دارد، همانند کودکی که تازه راه افتاده است. در مصیبت‌ها انسان با توجه به روحیه و رویه متفاوت خود نیازمند یاری دیگران است.

آنچه در پی می‌آید اشارهای گذراست به برخی آداب مربوط به نحوه برخورد با صاحبان عزا و مصیبت که با بهره‌گیری از آیات و روایات به این موضوع پرداخته شده است.

سنت عمومی و فراگیری در میان همه مردمان جهان وجود دارد که از آن به سنت تسلیت و تعزیت یاد می‌شود. تسلی دادن به معنای آرامش بخشیدن به شخص مصیبت‌زده است. این کاری است که مردم انجام می‌دهند تا اندکی از فشار مصیبت و فقدان از دست دادن کسی و حتی گاه چیزی کاسته‌سته شود و شخص از نظر روحی و روانی با موضوع و مسئله کنار بیاید و تعادل خویش را باز یابد.

شیوه‌های گوناگونی برای تسلیت به افراد در جوامع گوناگون به کار گرفته می‌شود. از آنجا که انسان مصیبت‌زده به ویژه در مرگ عزیزان، با فشار سهمگین روحی و روانی مواجه است، مصیبت‌زده دوست دارد هم فقدان آن را به شکلی معقول و مقبول بپذیرد و هم ارتباط خود را با مرحوم حفظ کند؛ زیرا احساس می‌کند هنوز به نحوی به مرحوم نیاز دارد. ایجاد رابطه با مرحوم و حفظ این ارتباط موجب می‌شود تا در این دوره خواب‌ها به سراغ افراد مصیبت‌زده بیایند. همچنین دل‌بستگی و علاقه نشان دادن به یادگاری‌های مرحوم در این دوره بیشتر خوندنمای می‌کند و شخص تلاش می‌کند تا عکس‌ها و وسایل و اشیای مرحوم را در کنار خود داشته باشد تا این فقدان را با این حضور تا حدودی جبران کند و نیز با خواندن اذکار و دعا و قرآن و انجام احسان و خیرات، او را از خود خشنود سازد و موجب راحتی میت در عالم پس از مرگ شود. از نظر روایات چنین ارتباطی میان مصیبت‌زده و مرحوم، امری طبیعی و بایسته است. روایت می‌گویند: روح متوفی از ترجم و استغفاری که (بازماندگان و دوستان) برای این انجام می‌دهند خشنود می‌شود؛ همان‌طور که انسان زنده از هدیه آوردن دوستانش خوشحال می‌شود.﴿ فقی، عباس، سفینه‌البحار، ج۲، ص۵۵، ماده موت﴾

در کتاب سفینه‌البحار از کتاب جامع‌الاحبار راوی از پیامبر(ص) نقل می‌کند ارواح مؤمنین هر شب جمعه اطراف خانه‌های خود می‌ایند و با صدای غمناک و گریان ندا می‌کنند، ای اهل بیت من، ای فرزندانم، ای پدر و ای مادر و ای خویشان من، به من ترجم کنید با اتفاق یک درهم، یا لباسی به فقیر بپوشانید که خداندن هم لباسی بپشتی به شما می‌پوشاند. پس پیامبر گریه کرد و ما حاضرین در جلسه هم با پیامبر گریه کردیم و گریه حضرت چنان شدید بود که دیگر قدرت بر سخن گفتن نداشت و بعد از گفتار زیادی که پیامبر از نگرانی و انتظار آنها سخن گفت فرمود: ارواح با حسرت و پشیمانی، برمی‌گردند. (همان، ص۵۷-۵۵۶)

همچنین در سفینه‌البحار از کتاب (لب الالباب) روندی روایتی نقل می‌کند که شبهای جمعه ماه رمضان ارواح مردگان نزد بازماندگان و خویشانشان حاضر می‌شوند. هر کدام با ناله سوزناک و گریان اعلام می‌کنند: ای اهل بیت من و فرزندانم و خویشانم، به ما التفات کنید تا خدا به شما ترجم کند؛ ما یاد ما باشیمد ما را فراموش نکنید و برای ما دعا کنید؛ ما غریب ما ترجم کنید؛ ما در زندان تنگ قرار گرفتیم، غصه ما طولانی و شدید است، به ما ترجم نمایند قبل از اینکه مثل ما شوید؛ از دعای در حق ما و صدقه در حق ما بخل نکنید، شاید خداوند به ما رحم کند؛ ای حسرت و اندوه بر ما که قادر به کار خیر بودیم همان طور که شما قادر هستید (ولی کار نکردیم)؛ ای بندگان خدا، کدام ما را بپشنود و ما را فراموش نکند و به همین نزدیکی‌ها فرادی نزدیک می‌فهمید ما چه می‌گوییم و این اموال زیادی که در دست شما است قبلاً در دست ما بود، ما آن را در خدا اتفاق نکردیم و مانع از اتفاق در راه حق شدیم و اکنون آن اموال برای ما مایه وبال و بدبختی شده و برای دیگران موجب منفعت شده است، ما به التفات و توجه و مهربانی کنید با اتفاق در راه خدا به یک درهم پول یا یک درهم نان و نان داشته و بپوشان، اما در آخر کار با ندانی اعلام می‌کنند چقدر نزدیک است گریه کردن شما بر حال

تصویربرداری از مراسم عزاداری در محلهٔ کربلا، عراق

امام صادق(ع) در مجلس گروهی عزادار وارد شده و خطاب به آنان اظهار داشتند: پروردگار، مصیبت وارد نشده بر شما را جبران فرماید، به جبران صبر و تحملتان پاداش خوبی به شما دهد و شخص متوفی را نیز در سایه رحمت خویش قرار دهد. سپس از مجلس خارج شدند.

عزاداران کربلا در محله کربلا، عراق

خودتان ولی آن گریه فایده‌ای به حال شما ندارد همان طور که گریه ما به حال ما فایده‌ای ندارد، در کار خیر سعی و کوشش کنید قبل از آنکه مثل ما شوید! (همان، ص۵۵۶).

برگزاری مراسم و مجالس تحريم یکی از شیوه‌هایی است که می‌تواند در راستای این حضور و پذیرش اندک اندک فراق مؤثر باشد. تحريم، مجلسی است که خانواده و خویشان شخص در گذشته به منظور آموزش مصیبت‌زدگی و تقویت روحیه تحريم می‌دهند.

تحريم در لغت به معنای «مهربانی کردن بر کسی»، «طلب آموزش کردن»، «رود فرستاندن برای میت» و «رحمه‌الله گفتن برای کسی» است. پس برگزاری این مجالس در راستای حفظ حضور و بقای ارتباط است تا فقدان یکباره، ضربه روحی و روانی به بازماندگان وارد نسازد. در عربی به مجلس تحريم، تابین، حفلة التابین، فاتحه و تعزیه و مانند آن گفته می‌شود.

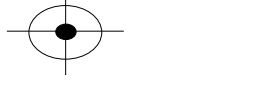
اهمیت تسلی دادن و دل‌داری به مصیبت‌زدگان

اسلام بر همدردی و تسلیت و تعزیت دادن به مصیبت‌زده و مصیبت دیده تأکید دارد؛ زیرا شرایط ویژه او به گونه‌ای است که نیازمند همدردی و پشتیبانی معنوی و روحی است. این گونه‌است که در آموزه‌های وحیانی قرآن و اسلام اصطلاحی به عنوان تسلیت و تعزیت مطرح شده است.

تسلیت و تعزیت به معنای همدردی و غمگساری با مصیبت‌زده برای کاهش فشار سنگین مصیبت است که بر جان و دلش سنگینی می‌کند و

استفاده از لذت‌های حلال و تفریح، قسمتی از برنامه‌های روزانه فرد مسلمان را تشکیل می‌دهد و از آن جهت که مایه تجدید قوا و روحیه‌ او می‌شود و او را برای فعالیت بیشتر مهیا می‌سازد، اهمیت فراوانی دارد. اگرچه اسلام وظایف عبادی مسلمانان را تبیین کرده و کار و تلاش را لازمه زندگی آنان برشمرده است؛ اما از نیاز روحی انسان به تفریح و استفاده از لذت‌های حلال غافل نبوده است، لذا او را به این کار فراخوانده است تا راه را برای فعالیت مجدد وی هموار سازد تا او بتواند با روحیه‌ای متعاضف و نشاطی افزونتر به کارهایش بپردازد.
به همین دلیل، در دین مبین اسلام مسافرت، تفریح، حلهٔ ارحام و دید و بازدید دوستان و آشنایان و… از زمانه‌ای که خارج از ضوابط اخلاقی و تعلیم اسلامی نباشد، پسندیده و مورد سفارش است. نکته مهم آنکه به خلاف کسانی که لذت را منحصر در نایف مادی می‌دانند و از لذات معنوی صرف نظر می‌کنند،

تصویربرداری از مراسم عزاداری در محله کربلا، عراق



آداب همراهی با صاحبان عزا از منظر آموزه‌های دینی

علی پوریا

تصویربرداری از مراسم عزاداری در محله کربلا، عراق

سنت عقلانی و قرآنی اسلام اقتضا می‌کند تا در جهت همدردی با مصیبت زده و کاهش فشار روحی و روانی او شرایط به گونه‌ای فراهم شود که او در مدت عزاداری دغدغه دیگری نداشته باشد.

تصویربرداری از مراسم عزاداری در محله کربلا، عراق



گاه تاب و تحملش را می‌گیرد و ممکن است بی‌تابی و بی‌صبری کند. اما با تسلیت ما، او آرامش نسبی دست می‌یابد. در آیات قرآن از دل‌داری فرشتگان به حضرت ابراهیم(ع) در پی ایجاد خوف در ایشان سخن به میان آمده است؛ یعنی زمانی که حضرت ابراهیم(ع) با جوانان تنومندی مواجه شد که دست به غذای میزبان نبردند، ترس در دلش آمد. در این زمان بود که آنان ضمن معرفی خود به عنوان فرشته علت نخوردن غذا را تبیین می‌کنند و این‌گونه تسلی خاطر او را فراهم می‌آورد.

(هود، آیات ۶۹ و ۷۰، ذاریات، آیات ۲۴ تا ۲۸)
دل‌داری اسماعیل(ع) به پدرش ابراهیم(ع)، در پی احساس نگرانی پدر از احتمال مخالفت او با ذبح خودش از دیگر نمونه‌هایی است که قرآن به آن اشاره کرده است. (صافات، آیه ۱۰۲)

همچنین دل‌داری خدا به پیامبران، با وعده هلاکت ستمگران، در پی تهدید آنان از سسوی کافران از دیگر نمونه‌هایی است که در قرآن به آن اشاره شده است. (ابراهیم، آیات ۱۲ و ۱۴)
در آیه ۶۹ سوره یوسف نیز حضرت یوسف(ع) با معرفی خود به برادرش نگرانی او را برطرف می‌کند و به او دل‌داری می‌دهد. وقتی حضرت موسی(ع) در شب تاریک و سرد در بیابان و گوه طور با همسرش گرفتار می‌شود، به همسرش دل‌داری می‌دهد تا با به دست آوردن آتش گرم، از این بیابان بیرون روند. (نمل، آیه‌ی)

همچنین خداوند در آیات ۱۵۵ تا ۱۵۷ سوره بقره خود تسلا بخش مؤمنان را ترسیم کرده و مصیبت کنونی را برای رسیدن به کمالی معرفی کنیم که خود شخصیت مصیبت دیده برخی از آن‌اری که برای همدردی و تسلا دادن و دل‌داری برای مصیبت‌زده می‌شود، این امر موجب می‌شود تا شخص مصیبت‌زده به آن دچار می‌شود. این امر موجب می‌شود تا شخص مصیبت‌زده دچار افسردگی و ناراحتی روحی و روانی نشود و بتواند بار سنگین مصیبت را به آرامی از دوش بر زمین نهد و از آن مرحله بگذرد و به آرامش دست یابد؛ چرا که پس از مدتی امر نسیان به کمک بشر می‌آید و مصیبت سنگین از یادها و خاطره‌ها خواهد رفت. عبور از دوره بحران مصیبت و رسیدن به آرامش روحی مهم‌ترین کارکرد و اثری است

صابر مصیبت دیده می‌شود و آنان را با بشارت به مقامی والا و بر خودرداری از درود و رحمت و هدایت خویش دل‌داری و تسلی می‌دهد. پس تسلا دادن و دل‌داری با دیگران به اشکال گوناگون مورد تأکید و امری پسندیده است. بهترین شیوه تسلیت دادن به فرد مصیبت‌زده آن است که آینده خوبی را ترسیم کرده و مصیبت کنونی را

ابزاری برای رسیدن به کمالی معرفی کنیم که خود شخصیت مصیبت دیده با آن روبه‌رو خواهد شد. به عبارت دیگر به او بیان کنیم که اگر چیزی را از دست داده‌ایم چیزی بهتر نصیب و بهره ما خواهد بود به شرط آنکه مصیبت، مسا را از حالت طبیعی بیرون نبرد و به کفر و کفرگویی نکشاند و صبر و شکیبایی را پیشه سازیم.

آثار تسلی دادن

تعزیت گفتن و همدردی و دل‌داری دادن آثاری برای مصیبت‌زده به‌گونه‌ای و برای تسلیت دهنده به‌گونه‌ای دیگر دارد.

برخی از آثاری که برای همدردی و تسلا دادن و دل‌داری برای مصیبت‌زده می‌شود، این است که مصیبت‌زده به آرامی از دوش بر زمین نهد و از آن مرحله بگذرد و به آرامش دست یابد؛ چرا که پس از مدتی امر نسیان به کمک بشر می‌آید و مصیبت سنگین از یادها و خاطره‌ها خواهد رفت. عبور از دوره بحران مصیبت و رسیدن به آرامش روحی مهم‌ترین کارکرد و اثری است

۱- برطرف شدن حزن:
خداوند در آیات ۷ تا ۱۰ سوره قصص دل‌داری را موجب برطرف شدن حزن و اندوه از مصیبت‌زده می‌داند. پس کاری که تسلیت دادن انجام می‌دهد برطرف کردن اندوهی است که شخص مصیبت‌زده به آن دچار می‌شود. این امر موجب می‌شود تا شخص مصیبت‌زده دچار افسردگی و ناراحتی روحی و روانی نشود و بتواند بار سنگین مصیبت را به آرامی از دوش بر زمین نهد و از آن مرحله بگذرد و به آرامش دست یابد؛ چرا که پس از مدتی امر نسیان به کمک بشر می‌آید و مصیبت سنگین از یادها و خاطره‌ها خواهد رفت. عبور از دوره بحران مصیبت و رسیدن به آرامش روحی مهم‌ترین کارکرد و اثری است

با بوق‌زدن‌های ممتد و حرکت ماشین‌ها برای می‌کنند در این میان به واسطه راهنمایی‌ها و بوق‌زدن، به خصوص در ساعات پایانی شب، دیگران را مورد ذیقت آری می‌دهند. بسیاریند کسانی که با بلند کردن صدای بلندگوهای ماشین، لذت خویش را با لذت‌های نیکو و حلال، همراه می‌کنند که به بقیین چنین کاری از انسان مسلمان پسندیده نیست. رسول خدا(ص) می‌فرماید: «لا تَبْکُکُمْ بِالْمَسْلُْمِمْ مِنْ سَلَمٍ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لَسَانِهِ وَ يَدِهِ»^{۱۱} (از ویژگی‌ها و خصوصیات) مسلمان خردمند (مسلمان) کسی است که مسلمانان از زبان و دست او در امان باشند»

(د به نیست بداینم که تفریح نیز می‌تواند دارای ثواب و پاداش باشد، به شرط آنکه با نیت تجدید باشد، برای آداب عزاداری و تعزیت انجام گیرد. امیرالمؤمنین(ع) در فرازهای پایانی دعای کمیل عرضه می‌دارد: «قَوِّ عَلیْ خِدْمَتِکَ جَوارِحِ؛ (خدایا!) برای خدمت به خودت اعضا و جوارح مرا قوت و نشاط ده»

نزدیک می‌شویم. مبدا مصادق این شعر شویم: سرمایه زکف رفت و تجارت نمودیم جز حسرت و اندوه متاعی توه داشت به باشیم که فرمود: «فَکُنِ الْمَرْءَ خُطْبَاءَ إلیْ أَجَلِهِ»^{۱۲} نفس‌های انسان، گام‌های او به سبوی مرگ است. «باور کنیم که با هر نفسی یک قدم به مرگ

غذا خوردن در خانه متوفی دعوت کنند شایسته نیست بروند زیرا غذا خوردن نزد اهل مصیبت و در منزل‌لشان از اعمال مردم قبل از ظهور اسلام و دوره جاهلیت بوده است.

همچنین در حدیث آمده: لما قتل جعفر بن ابیطالب(ع) امر رسول‌الله(ص) فاطمه(ص) ان تأتی اسماء بنت عمیس و نسائهن و ان تصنع لهن طعاما ثلاثة ايام فیرتن بذلک لهن، زمانی که حضرت جعفر طیار(ع) در جنگ شهید شد پیامبر(ص) از حضرت فاطمه(ص) خواست که به نزد اسماء همسر جعفر و خانواده‌اش برود و سه روز برایشان غذا تهیه کند، بعد از این دستور پیامبر، میان مسلمانان رسم شد که وقتی کسی دچار مصیبت می‌شد همسایگان و خویشان او سه روز برایش غذا تهیه کرده و می‌پردند (من لایحضره الفقیه، ج ۱ ص ۴۸)
سنت عقلانی و قرآنی اسلام اقتضا می‌کند تا در جهت همدردی با مصیبت‌زده و کاهش فشار روحی و روانی شرایط به گونه‌ای فراهم شود که او در مدت عزاداری دغدغه دیگری نداشته باشد.

در روایات شیعی و سنی با استناد به حدیثی از پیامبر اکرم(ص) در شهادت جعفر بن ابی‌طالب، تصریح شده که مستحب است خویشان و نزدیکان متوفی به مدت سه روز در تهیه غذا و فراهم آوردن برخی امکانات، به خانواده او که دچار تألمات روحی شده‌اند یاری رسانند و از آنان مراقبت و به آنها مهربانی کنند. به فرموده امام صادق(ع) از همان زمان، این کار به صورت «سنت» درآمد. (سنن ابی‌ داود، ج ۳، ص ۴۹۷، ش ۳۱۲۲؛ سنن ابی‌ ماجه، ج ۱، ص ۵۱۱، سنن الترمذی، ج ۳، ص ۳۲۳، ش ۱۹۹۸؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۳۵-۲۳۸).

امام صادق(ع) درباره حضور در خانه و مجالس میت برای تسلا بخشی به بازماندگان می‌فرماید: التعزیه الواجبه بعد الدفن و تکلیف من التعزیه ان یراک صاحب العصیه؛ تسلیت دادن به خانواده مردگان که واجبی دینی (مستحب مؤکد) است، باید بعد از دفن مرده انجام شود و مقدار تسلیت آن است که در مجلسی حاضر شوی تا صاحب عزو تو را ببیند (وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۱۶، ج ۳۴۴۸)

در توضیح المسائل مراجع عظام نیز چنین آمده است: بعد از دفن، مستحب است صاحبان عزا را بسر سلامتی دهند ولی اگر مدتی گذشته است که به واسطه سرسلامتی دادن مصیبت، پاداش می‌آید، ترک آن بهتر است و نیز مستحب است تا سه روز برای اهل خانه میت غذا بفرستند و غذا خوردن نزد آنان و در منزلشان مکرره است.

اکنون این سؤال پیش می‌آید که آیا غذا خوردن در منزل صاحب مصیبت حرام است یا نه؟ در پاسخ باید گفت: برخی از فقیهان شیعی به دلیل برخی از روایات، می‌گویند: غذا خوردن در منزل متوفی در سه روز اول فوت متوفی، کراهت دارد و یا حاکمتر خوردش اشکال دارد.

صرف هزینه اطعام در امور خیر

البته مناسب است صاحبان عزا پس از کاهش آلام روحی و روانی ناشی از مصیبت وارده، هزینه اطعامی را که در چند روز اول مصیبت، قصد انجام آن را داشتند به نیت متوفی صرف امور خیریه و مستمندان و رفع حاجت نیازمندان و درمندگان و کارهای خیر دیگر چون تهیه چیزیهی برای افرادی بی بضاعت و غیره کنند.

چنانکه اکنون در برخی شهرها مشاهده می‌شود صاحبان عزا هزینه مراسم هفتم و چهلم و سال را به نیت متوفی صرف امور خیر می‌کنند و به این ترتیب با برگزاری مراسم و آیین‌هایی که چه بسا سودی برای متوفی ندارد و اسباب زحمت آشنایان و دوستان بستگان می‌شود، پرهیز می‌کنند. همچنین دیده شده و صاحبان عزا در برخی شهرها تنها به برگزاری مراسم تحريم برای متوفای خود اکتفا می‌کنند و اعلام می‌دارند که هزینه اطعام و آشنایان و پذیرایی به نیت میت صرف نیازمندان خواهد شد. این امر، شیوه‌ای عقلانی و پسندیده و مطابق سنت پیامبر و تأکید امام صادق(ع) است و جا دارد، رفته رفته این روش در همه شهرها نهادینه شود تا برای همیشه همه صاحب عزا و مصیبت، دغدغه پذیرایی و اطعام و صرف هزینه سنگین نداشته باشند و هم خدمتی سودی برای مصیبت زده‌گانی که وضع مالی خوبی ندارند و در کنار مصیبت خود، نگران هزینه سنگین اطعام مهمانان و آشنایان هستند.

در پایان این نوشتار جا دارد به سنت خوبی که در یکی از مناطق کشور (گیلان) مرسوم بوده و شایسته است در همه جا گسترش یابد اشاره کنیم. سابقاً در منطقه خلیج معمول بود که اگر شخصی دیده از جهان فرو می‌یست به خلاف روش و سنتی که در سایر مناطق ایران متداول

تصویربرداری از مراسم عزاداری در محله کربلا، عراق

کاری که تسلیت دادن انجام می‌دهد برطرف کردن اندوهی است که شخص مصیبت‌زده به آن دچار می‌شود. این امر موجب می‌شود تا شخص مصیبت‌زده دچار افسردگی و ناراحتی روحی و روانی نشود و بتواند بار سنگین مصیبت را به آرامی از دوش بر زمین نهد و از آن مرحله بگذرد و به آرامش دست یابد.

تصویربرداری از مراسم عزاداری در محله کربلا، عراق

است برای مدت یک هفته تمام تسهیلات زندگی را برای بازماندگان متوفی تدارک می‌دیدند تا از این رهگذر تصدیع و مزاحمتی مزید بر تألمات روحی و سوگ عزیز از دست رفته احساس نکنند، بدین ترتیب که همسایگان و بستگان متوفی متناوباً شام و ناهار تهیه کرده و به خانه عزادار می‌فرستادند و به فراخور شأن و مقام متوفی از تسلیت گویندگان و عزاداران پذیرایی می‌کردند و به صاحبان عزا علاوه بر رنج از دست دادن عزیز خود، رنج پذیرایی از مهمانان که معمولاً کم هم نبودند اضافه نمی‌شد.

بدین‌ترتیب مدت یک هفته در خانه صاحبان عزا و داغدیدگان، به اصطلاح شسته بانشد و خود اطرافیان و بستگان متکفل تهیه غذا برای مصیبت زده شوند.

اسام صادق(ع) می‌فرماید: الاکل عند اهل المعصیه من عمل الجاهلیه و السنه البعث الیهام بالطعام؛ غذا خوردن نزد مصیبت زدگان و با خرج آنان، از رفتارهای جاهلیت است و سنت پیامبر(ص) فرستادن غذا برای مصیبت‌زدگان است (من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۲)
براساس حدیث فوق، پس از شهادت جعفرین ابیطالب (جعفر طیار) پیامبر(ص) دستور داد سه روز به خانه جعفر غذا فرستند تا خانواده‌اش شته مصیبت از دست دادن جعفر دغدغه دیگری نداشته باشند. براساس سنت پیامبر، اگر حتی صاحبان عزا دیگران را برای

با بوق‌زدن‌های ممتد و حرکت ماشین‌ها برای می‌کنند در این میان به واسطه راهنمایی‌ها و بوق‌زدن، به خصوص در ساعات پایانی شب، دیگران را مورد ذیقت آری می‌دهند. بسیاریند کسانی که با بلند کردن صدای بلندگوهای ماشین، لذت خویش را با لذت‌های نیکو و حلال، همراه می‌کنند که به بقیین چنین کاری از انسان مسلمان پسندیده نیست. رسول خدا(ص) می‌فرماید: «لا تَبْکُکُمْ بِالْمَسْلُْمِمْ مِنْ سَلَمٍ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لَسَانِهِ وَ يَدِهِ»^{۱۱} (از ویژگی‌ها و خصوصیات) مسلمان خردمند (مسلمان) کسی است که مسلمانان از زبان و دست او در امان باشند»

تصویربرداری از مراسم عزاداری در محله کربلا، عراق

تصویربرداری از مراسم عزاداری در محله کربلا، عراق

چراغ راه

اگر حق به اهلش واگذار می‌شد!
قالت فاطمه(زهرا(س): «ما والله.. لو ترکوا الحق علی اهلہ، واتبعوا عتره نبيه لما اختلف فی الله تعالی اثنان»
حضرت فاطمه(ص)، فرمود: به خدا قسم اگر حق را به اهلش واگذار می‌نمودند، و از عترت پیامبر پیروی می‌کردند، حتی دو نفر درباره خدا اختلاف نمی‌نمودند (و اسلام همه عالم را فرا می‌گرفت).^(۱)

۱- بحارالانوار، ج۳۶، ص ۳۵۲

تصویربرداری از مراسم عزاداری در محله کربلا، عراق

حکایت خوبان

خسته نشدن از پاسخگویی

امام‌حسن عسکری(ع) فرمودند: روزی زنی نزد حضرت فاطمه زهرا(ص) وارد شد و گفت سادری دارم ضعیف و ناتوان که برای انجام نماز، مستهل‌های برایش پیش آمده و مرا فرستاده است تا پاسخ آن را از شما دریافت نمایم.

حضرت زهرا(ص) پس از گوش دادن به سخنان آن زن، جواش را داد. سپس آن زن سوال دیگری را مطرح کرد و حضرت دوباره جواب او را داد. و به طور مرتب آن زن سوالات دیگری را مطرح کرد تا آن که به ده مرتبه رسید و حضرت زهرا(ص) بدون هیچ‌گونه احساس و اظهار ناراحتی و بلکه با عطفوت و مهربانی پاسخ آن را بیان می‌نمود.

پس از آن زن، زن خجالت زده شد و گفت شما را خسته و ناراحت کردم، بیش از این مزاحم شما نمی‌شوم.

حضرت زهرا(ص) اظهار نمود خیر، برای من زحمتی نخواهد بود. سپس افزود چنانچه شخص اجیر شده باشد تا باری سنگین را به جایی ببرد و در ازای آن مبلغ صد هزار دینار مزد بگیرد آیا ناراحت می‌شود؟!

آن زن در جواب حضرت گفت:خیر. بعد از آن فرمود: من برای هر سسوال که جواش را بگویم اجیر تو هستم و مزد و پاداش آن نزد خداوند متعال به ارزشی بیش از آنچه که در این جهان است می‌باشد.

پس اکنون آنچه می‌خواهی سوال کن و برای من ناراحت مباح که از پدرم رسول‌الله(ص) شنیدم که فرمود علما و دانشمندان، شیعیان و پیروان ما در روز قیامت در حالی مشغور می‌شوند که تاج کرامت بر سر نداشته‌اند. چون آنان در دنیا بر هدایت بندگان خدا تلاش و کوشش داشته‌اند، مورد لطف و رحمت خداوند قرار می‌گیرند و هدایا و خلعت‌های فراوان و گرانبایه‌ی بپشتی از جنس نر تقدیمشان می‌شود. سپس منادی الهی ندا می‌دهد که: ای سرپرستان یتیمان آل‌محمد که از آنها را در روزگاری یتیمی و محرومیت از وجود ائمه خود هدایت و راهنمایی کردید! اینها شاگردان و یتیمانی هستند که شما آنها را سرپرستی و هدایت نمودید، پس از خلعت‌هایی که به شما ارزانی شد، به آنها نیز بدهید.

در این هنگام علما به اندازهٔ علومی که مردم از آن فرا گرفته‌اند به آنها خلعت می‌دهند تا جایی که برخی از مردم صدزار خلعت نصیب آنها می‌شود. و پس از آن خداوند از فضل خود خلعت‌های علما را افزون و مضاعف می‌گرداند.

پس از آن حضرت زهرا(ص) فرمود ای بنده خدا، ارزش یکی از آن خلعت‌ها، هزار بار بیش از آنچه است که در این دنیا وجود دارد و خوشبید بر آن می‌تابدچون که چیزهای این دنیا، هرچند هم به ظاهر ارزش والا‌یی داشته باشد، اما فاسدشدنی و فناپذیر است.^(۲)

۱- تفسیر امام‌حسن عسکری(ع)، ص ۲۳۰، حدیث ۲۱۶

تصویربرداری از مراسم عزاداری در محله کربلا، عراق

پرسش و پاسخ

زنان الگوی کمالات انسانی و معنوی

پرسش:
قرآن کریم چه زائنی را برای تعیین مصداق کمالات والای انسانی و معنوی معرفی کرده است؟
پاسخ:

در بخش نخست پاسخ به این سؤال به برخی از ابعاد شخصیتی حضرت‌فاطمه(ص) به عنوان اسوه ارزش‌ها پرداختیم.
ایک در ادامه دنباله مطلب را بی‌می‌گیریم.

زهراى اطهر احیگر باد شهیدان و وفادار به خاطره عزیز آنان بود. روزهای دوشنبه و پنجشنبه به احد می‌رفت و مزار شهدای احد و حضرت حمزه را زیارت می‌کرد و چون در صحنه احد حضور یافته بود به عنوان یک شاهد زنده و راوی حادثه به دیگران نشان می‌داد که اینجا پیامبر بود و آنجا مشركان بودند.

در مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی بی‌تفاوت نبود و جبهه حق را برای می‌کرد و پس از رحلت پیامبر که خلافت را غصب کردند و ذک را از او گرفتند همراه زنان بنی‌هاشم به مسجد آمد و در جمع مسلمانان حاضر، ضمن خطبه‌ای که پشت پرده خواند، از بدعت‌ها، ستم‌ها، حق‌کشی‌ها و فراموش کردن وصیت پیامبر و احیای سنت‌های جاهلی انتقاد کرد.
او، ایات حق و مقابله با انحراف با رهنمای امت اسلامی را تکلیف خود می‌دانست گاهی شها به همراه علی، به در خانه مهاجران و انصار می‌رفت و وصیت پدرش را به یادها می‌آورد و آنان را به دفاع از حق امام و شوهرش و مسئله خلافت و حق خویش فرا می‌خواند.

خلاصه حضرت فاطمه خورشید حق دختر خوی پدر، مظهر یک همسر برای شوهر، مظهر یک مادر برای فرزنداناش و مظهر یک زن مبارز و مسئول در برابر زمانش و سرشت جامع‌الش او، اسوه صبر و مقاومت و ایثار بود.

آشنایی همسر فرعون:
اسحاق ایهان
آسیه، نمونه کامل زنان مومن است در قرآن به عنوان الگوی مردان و زنان مومن معرفی شده است آنجا که می‌فرماید:خداوند برای مؤمنان زن فرعون را مثال زده است. زنی مؤمنه و برای حفظ ایمانش تا پای جان ایستاد و تسلیم ظلم و جور نشد و محیط لوده توانست در او اثری بگذارد. (تحریم- ۱۱)

مریم: مظهر عفاف

در قرآن کریم مریم، دختر عمران، به عنوان الگوی مردان و زنان مؤمن معرفی شده است.

خداوند برای مؤمنان زن فرعون و.. و مریم دختران عمران را که پاکدامن بود به عنوان اسوه و الگو مثال زده است. (تحریم- ۱۱)
مریم با نذر مارش، به بیت‌المقدس سیرده شد.او تحت تکفل حضرت زکریا قرار گرفت و به عبادت خدا یکتا آنچنان به دعا و نماز پرداخته، که رکوع، سجود و قیام را طول می‌داد. از دنیا بریده و به سوی خدا پیوسته بود که نمونه باز قانتین بود.
مریم دختر برزیده جهان بود قرآن می‌فرماید: ای مریم، خداوند تو را برگزید و پاکیزه ساخت و بر زنان برتری بخشید. (آل‌عمران- ۴۲)

مادر حضرت مریم حنه اسوه صداقت است. آن‌جا که نذر کرد اگر خداوند به او فرزندی عنایت کند او را در خدمتگزاری بیت‌المقدس بگمارد. این نذر، بیانگر آن است که قلب حنه آن چنان سرشار از ایمان، صداقت، اخلاص و پاکی بود که عزیزترین کس و یگانه فرزند خود را برای خدا نذر کرد. خداوند نیز به او مریم را بخشید و حنه را به خوبی پذیرفت و چون شکوفای پرورش داد.

ساره: الگوی خواجه‌داری

علامه مجلسی می‌نویسد: یکی از جلوه‌های شخصیت و کمال ساره، همسر حضرت ابراهیم، در خدمت و پذیرایی از مهمانان همسرش نمودار بود به طوری که همواره برای خدمت به مهمانان آمده بود. ۲۱۲ حضرت ابراهیم(ع) بسیار مهمان‌نواز بود و اغلب با مهمانان غذا می‌خورد. ساره در میهمانداری مهارت فراوانی داشت به گونه‌ای که روزی در مدت کوتاهی گوسفالک بریان شده‌ای را برای مهمانان همسرش آماده کرد. قرآن کریم می‌فرماید:

دیری نگذشت که گوسفالهای بریان آورد. ساره، از ایمانی سرشار برخوردار بود، با فرشتگان مهمم بود و با آنان سخن می‌گفت. پاداش این همسر فداکار این بود که در هر پی‌ری به او و بشارت دو فرزند داده شد که هر کدام رسالت پیامبری را برعهده گرفتند.

تصویربرداری از مراسم عزاداری در محله کربلا، عراق